



۲۰۲۰/۰۹/۰۴

عبدالقیوم میرزاده

ندای مادر وطن

در بسیاری از یادداشت ها و نوشته های قبلی توضیح کرده ام که طالبان عبارت از گروه های اجیر افغان و پاکستانی اند که بوسیله سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI تحت پلانهای منظم جنگی و تخریبی مانند حملات منظم بر تاسیسات دولتی، شبکه های مواصلاتی، تخریب تاسیسات عام المنفعه و مراکز ارگانهای اداره دولت مبادرت میورزند. علاوه بر اجرای حملات انتحاری در محلات مزدحم شهر ها و ولایات کشور و اجرای تبلیغات بسیار وسیع و ذجوانب بمنظور تشدید نفاق، تقویت بی اعتمادی و تشدید بحران اعتماد در میان مردم و عناصر متشکله جو سیاسی کشور و بدین ترتیب تزئید فاصله میان مردم و حکومت را در سر مشق فعالیت های خویش گنجانیده است و از تحلیل وضع در کشور ما بر می آید که این مأمول را اداره استخبارات نظامی پاکستان با موفقیت فراوان در کشور ما انجام میدهد. مراد از این توضیح معرفی این گروه تبهکار است که بنام طالبان مسمی بوده در حقیقت رو پوش عوام فریب مداخلات پاکستان در کشور ما در انظار مردم و جامعه بین المللی میباشد. پس اگر جنگی در کشور ما در میگیرد، پاکستان آنرا آغاز، مدیریت و انجام میدهد و یا اگر صلح و مذاکراتی زیر نام طالب - آمریکا - روسیه - ایران - ازبکستان و یا هر کجایی دیگر صورت میگیرد، شروع، پیشبرد، ادامه و فیصله آن در دست پاکستان است که حمایت ایالات متحده آمریکا را نیز با خود دارد و به همکاری آمریکا سازمان ملل متحد را نیز با خود همگام ساخته است. من بار ها تأکید کرده ام که اهداف دراز مدت آمریکا در منطقه جنوب آسیا در پهلوی تهدید ایران و جلوگیری از تمدید پروژه پایپ لاین صلح ایران - پاکستان، جلوگیری از صدور نفت و گاز ایران به چین، تهدید مناطق منافع حیاتی روسیه در آسیای مرکزی در نهایت اساساً مخاصمت با چین و جلوگیری از فعالیت ها و میگا پلانهای چین در منطقه میباشد.

در گپرو دار انکشافات منطوقی و موجودیت قوت های آمریکا در افغانستان، آنچه پاکستان منحیث برگ برنده از آن بهره فراوان برد از یکطرف تأمین مناسبات وسیع سیاسی و اقتصادی با چین دشمن درجه یک آمریکا و عقد قرارداد های طویل المدت در پروژه های بزرگ اقتصادی چین در جنوب و جنوب شرق آسیا و هکذا با وصف تهدید های بین المللی مبنی بر اجرای تحریم های اقتصادی علیه ایران و پاکستان عقد قرارداد تمدید پایپ لاین نفت و گاز با ایران که در سال ۲۰۱۲ در حضور آصف علی زرداری و محمود احمدی نژاد، تسلیح، تجهیز، تعلیم و تربیه و تشجیع گروهی آدمکشی بنام طالب از جمله برگ های برنده ئی بود که پاکستان با مهارت فراوان در زیر ریش ۶۴ کشور جهان که در منطقه و کشور ما حضور پر رنگ داشتند آنرا طوری بازی کرد که بیشتر دول جهان منافع خود را در آن میدیدند. بالاثر همین سیاست های قویاً کارشناسانه در راستای منافع ملی پاکستان بود که دستگاه اداره و سیاست گذاران پاکستانی آنرا به منصفه اجرا قرار داده و آمریکا را در قبال مطالبات و منافع اش در منطقه، خاصتاً افغانستان به زانو در آورد. در نتیجه همین سیاست بود که آمریکا مصمم گشت تا افغانستان را در اذای همراهی پاکستان غرض تطبیق اهداف دراز مدت آمریکا در قبال چین، جنوب آسیا و آسیای میانه به پاکستان واگذارد. که حمایت و مشروعیت دهی طالبان در همین راستا واضحاً قابل رویت است.

در جناح مقابل زیر فشار مضاعف امریکا و عدۀ از متحدین اش ابتکار عمل افغانستان را در مسایل ملی و بین المللی محدود ساخته و وسایل و ذرایع فشار را طوری توجیح کرده اند که هم طالبان را تشجیع کرده و مشروعیت میبخشند و هم در درون نظام گروه مافیایی تحت رهبری داکتر عبدالله عبدالله را حمایت کرده و برای بی ثباتی اوضاع چون مُهره مُخلّل در قبال هر اجراءات حکومتی هر آن از آن استفاده میبرند و گروه تبلیغاتی این مافیا ها با ذرایع مختلف در بی ثبات سازی وضع نقش خاینانه ایفا میکنند و بدین ترتیب روز تا روز مشروعیت حکومت افغانستان که یگانه مرجع بازتاب صدای مردم افغانستان و دفاع از آزادی ها و حقوق اتباع کشور محسوب میگردد در عرصه ملی و بین المللی کمتر و کمتر گردیده و ابتکار عمل اش در هر دو عرصه کماکان محدود تر میگردد. متأسفانه اپوزیسیون متشکل و مجهز با راهکار ملی در کشور وجود ندارد. گروه های جهادی که به برکت تمویل کننده و بادر بزرگ شان ایالات متحده امریکا اکنون به مافیا های بزرگ منطقه تبدیل شده اند از هر امکان و فرصت برای استحکام سیطره طاغوتی شان بهره میبرند. آنچه در این راستا بسیار مایوس کننده و کمر شکن است همراهی و همسوئی عدۀ از رجال سیاسی (رهبران)، احزاب، سازمانها و عدۀ از تحلیل گران، آگاهان سیاسی و مسئولین بخشی از شبکه های نشراتی تصویری، صوتی و چاپی با این سیاست مزورانه امریکا - پاکستان میباشد. عمده ترین نقیصه در این میان نبود پالیسی مشخص و راهکار معین حکومت در قبال پاکستان میباشد که تاکنون یک خط مشی ثابت با در نظر داشت منافع ملی کشور در دراز مدت مطرح نکرده و ارگانهای ذیربط نمیتوانند با تمسک به یک سیاست معین راهکار و میکانیزم اجراءات خویش را سمندهی کنند. همچنان دست نشانده بودن حکومت که تا کنون بنابر عومل بازدارنده که شمه آنرا در بالا تذکر دادم نتوانسته توان و اختیار رسیده گی به بسیاری از مسایل اهم ملی را پیدا کند. در این آشفته حالی عدۀ از گروه هایی که نام شان را در بالا ذکر کردم با عملکرد های ضد ملی شان بیشترینه آب را به آسیاب دشمنان افغانستان ریخته و فاصله ها را میان مردم، سیاسیون، دستگاه حکومت و ادارات قانون گزار بیشتر از پیش ساخته و کشور را که در لبه پرتگاه نیستی قرار دارد بیشتر بطرف سقوط حتمی هل میدهند.

بسیاری از آدرس های ذکر شده در بالا پره هایی بلند و بالا از نقایص، کمبودی ها، کم کاری ها، عیب ها و رفتار های مغایر منافع ملی اداره حکومت تحریر، صادر و نشر میکنند که بسیاری از موارد آن حقایق روشن اوضاع موجود کشور را بازگویی میکند ولی در این میان یا هیچکدام و یا بسیار اندکی از آنها راه های برون رفت عملی را مطرح میکنند. همه یکسره چون تاریخ نگاران مصروف عیب جویی، فهرست نواقص، کم کاری ها و ضعف های حکومت هستند. هیچکس به این فکر نمیکند که اگر ما همه را از حمایت این حکومت برحذر داریم پس مردم چگونه بدور کدام الترناتیف یا جاگزین جمع شوند؟ اگر حکومتی که همه تان به آن پشت کرده اید و از گون شود، کدام آدرس مشخص را سراغ دارید که مردم برای حراست منافع شان به آن اتکا کنند؟ چرا به این سوالات اهم ملی با اغماض مینگرید؟ کدام سازمان و گردانی را سراغ دارید که در این شرایط تجاوز بصورت بالفعل و بالقوه وطن و مردم را بجای حکومتی که شما آنرا مردود میشمارید از این مخمصه نجات دهد؟ هنوز هم عدۀ هر حرکت حکومت را به باد نقد و استهزا گرفته و مردم را بر علیه آن میثورانند، این نا بکاران هر پیروزی پاکستان - طالب را جشن گرفته و گویی بیصبرانه در انتظار آمدن پاکستان - طالب لحظه شماری میکنند.

من در طول و عرض جغرافیای افغانستان هر چه جستجو میکنم به جزء گروه خون آشام طالبان که از جانب پاکستان همچو رو پوشی برای تحقق اهداف سیطره جویانه خویش آماده ساخته بود و اکنون امریکا و شرکایش به ایشان مشروعیت جهانی داد و بنابر همسوئی با ستراتیژی هایش از آن حمایت بی دریغ میکند کدام جاگزین دیگر برای نجات مردم و کشور از این مخمصه آدرس دیگری نمی بینم.

اگر عده به این مافیاهای جهادی دل بسته اند، این ها در شرایطی که هنوز پسران سکه پاکستان بودند یک شبه با تب تب صدای پای طالبان فرار را بر قرار ترجیح داده عده در بلندی های هندوکش و عده هم به پاکستان، ایران، تاجکستان، ترکیه و روسیه پناه بردند. حالا دیگر برای حفظ سیطره طاغوتی و حفظ دارائی هایشان حاضر به هر معامله خاینانه با هر خصم وطن میباشند، و بسیار از امکان بدور نیست که در معاملات پشت پرده با پاکستان به این توافق رسیده باشند تا در شرایط خاص غرض بی ثبات سازی منطقه و پیشبرد اهداف سیطره جویانه امریکا در ساحات مسلمان نشین چین (اویغور ها) همین مافیا ها جنگ داخلی را در کشور ما راه بیاندازند که در آنصورت با مداخله سایر کشور های منطقه احتمال تجزیه کشور نیزمتصور است.

در شرایط حاضر که مردم در زیر تأثیر تبلیغات پاکستان – طالبان، همکاران و همراهان داخلی شان روز تا روز از حکومت فاصله میگیرند، حکومت بیشتر از هر وقت دیگر تحت فشار خارجی قرار داشته و برای دفع این فشار ها به پشتیبانی مردم یا محمل های داخلی شدیداً نیازمند است ولی متأسفانه تحت تأثیر تبلیغات دشمن و وابستگی غلام بچگان پاکستانی، ایرانی و روسی و سیل تبلیغات این خود فروختگان که درکی از منافع ملی ندارند هر روز این محمل ها از حکومت دور تر و دور تر میگردد. اوضاع در کشور ما آنقدر بغرنج و پیچیده شده است که هر آن امکان خیانت به نفع پاکستان و نوکران طالب اش در رده های نیرو های مسلح کشور بعید از امکان نیست. عده از این افراد ممکن درکی از منافع ملی ندارند آنها نمیدانند که اگر حکومت منحیث مجری قانون و حراست از حقوق و آزادی های مدنی مردم سر پا نایستد، همه سیستم نابود میگردد و بار دیگر کشور و مردم ما شرایط سال ۱۹۹۲ را تکرار خواهد کرد. نا گفته نماند عده از این مبلغین همانهایی اند که تجارب سال های ۹۰ را نیز یدک میکشند و در آزمون هم سهم شان را در سقوط حکومت ادا کرده اند و حال از تکرار آن نیز لذت میبرند.

مادر وطن بما ندا میکند که در همچو شرایط بسیار خطرناک مرگ و زنده گی که هیچ گزینه بالقوه و بالفعل دیگری را هم نمی توان برای کشور سراغ کرد پس یگانه مرجع با وصف همه نا توانی ها و کمبودی ها پیش حکومت جمهوری اسلامی افغانستان است که باید همه ملت با تمام قوت در کنارش بایستد زیرا همین حکومت در مجامع بین المللی و سازمان ملل متحد از کشور ما نماینده گی میکند و همین حکومت سر قوماندانی قوای مسلح کشور را بمثابه پاسداران و حارث تمامیت ارضی و نوامیس ملی کشور را بدوش دارد. شرایط پیش آمده در کشور عمل وندوستانه و صادقانه همه اتباع کشور را الزامی میدارد، زیرا در این شرایط اگر همه ملت با اتحاد، همدلی، برادری، همکاری، تساند و همیاری دین مادر وطن را ادا نکنند، در فردهای سقوط در سرایشی نبودی نه مادر وطن ما را خواهد بخشید و نه خود مان خود را خواهیم بخشید.

آنچه امروز مادروطن شدیداً به آن نیازمند است اتحاد صادقانه همه مردم با روحیه ملی زیر بیرق سه رنگ ملی و حمایت از حکومت در برابر اهریمن طالب - پاکستان میباشد. تا جامعه جهانی زیر فشار مطالبات مردم به حضور پررنگ دولت افغانستان در پروسه مذاکرات و تعیین سرنوشت مسایل افغانستان احترام بگذارند و بدین ترتیب از فشار های مضاعف که اهداف مغایر منافع ملی را با زور، تهدید و شانتاژ بالای حکومت می قبولانند کاسته شود. ضرورت اشد است تا وزارت خارجه کشور بیشتر از هر وقت دیگر دیپلوماسی پر تحرک و فعال را برای لابی گری در تمام کشور های جهان و سازمان های بین المللی و سازمان ملل متحد غرض همسویی سیاست های صلحخواهانه دولت اسلامی افغانستان، افشای مداخلات پاکستان، وابستگی طالبان به سازمان استخبارات نظامی پاکستان، افشای مراجع تمویل، تسلیح و تعلیم و تربیه طالبان، افشای نقش مزورانه ایران و روسیه در قبال تمویل مادی و معنوی طالبان و سایر وابستگان شان رویدست گرفته و در آستانه مذاکرات پاکستان – طالبان با نماینده گان دولت افغانستان بیشتر بر تضمین های بین

المللی تأکید صورت گیرد. همچنان هیئت مذاکره کننده دولت را بصورت دوامدار و بلاوقفه در روشنی وضعیت جو بین المللی و اوضاع داخل کشور قرار دهند. از ترکیب اعلان شده اعضای شورای عالی مصالحه بر می آید که احتمالاً بنابر فشار های ذوجانب امریکا بیشتر عناصر بد سابقه، مفسد، استفاده جو و عناصر ترکیبی مافیایی در این شورا عضویت دارند بنابر ارگانه های مربوط دولت مکلفیت دارند تا باپوشش لحظه به لحظه مذاکرات و دیپلوماسی فعال فعالیت های تخریبی و زد و بند های مغایر منافع ملی ما را در جریان مذاکرات افشا کرده و از مذاکرات قانونمند زیر نظر ناظران بین المللی حمایت کنند. چون این مذاکرات در پوشش طالبان اصلاً مذاکرات فیما بین دولت افغانستان و پاکستان میباشد بنابر تحت هر نوع شرایط از پاکستان تضمین عدم مداخله مستقیم و غیر مستقیم زیر نظر کشور های ذیدخل در مسایل افغانستان گرفته شود. از آنجائیکه افغانستان بنابر موقعیت برانزده سوق الجیش اش برای تمام دول جهان که منافع شان را در جنوب آسیا مبینند از اهمیت فوق العاده برخوردار میباشد. تنها دولت قانونی افغانستان میتواند زمینه همکاری های بین المللی را برای این کشور ها غرض دستیابی به منافع شان طی قرار داد های معتبر بین المللی آماده ساخته و تضمین کند، نه یک گروه وحشی اجیر آدم کش مربوط استخبارات نظامی پاکستان که هیچ تعهد بین المللی ندارد. این مسئله با اضافه اینکه اگر امنیت در افغانستان برقرار نگردد نظم بین المللی نیز برهم خواهد خورد و کشور های ذینفع بوسیله همین گروه های مسلح منطقه را به آتش خواهند کشید. تأمین نظم و آوردن ثبات تنها از طریق توافقات منطوقی دولت های منطقه و دولت افغانستان میسر و ممکن میباشد.



[هر گاه متمایل باشید که مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنید، اینجا کلیک نمایید.](#)